

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

احمد طارق فیض

۲۵.۰۵.۰۹

منحوس ترین مادر و مقدس ترین فرزند^۱

اگر اشتباه نکنم چند هفته قبل یکی از افراد بلند پایه امریکا و ذی دخل در قضایای کشور عزیز ما افغانستان اظهار داشت دوست ندارم عساکر امریکائی به حیث اشغالگران در افغانستان شناخته شوند. این حرف نهایت ریشه نئی و بیانگر عمق آگاهی و آینده اندیشی امریکا نسبت به موقف نظامی شان در افغانستان می باشد. تا جایی الهام دهنده برای ما هم است اما بیشتر نشاندهنده حرکت اکادمیک و در خدمت گرفتن علم در امورات نظامی می باشد. برای هیچ کس پت و پنهان نیست که در واقع پاکترین فرزند (مقاومت) زاده منحوس ترین مادر (اشغال) می باشد. یعنی مقاومت از ناپاکترین بطن و منحوس ترین مادر (اشغال) به دنیا می آید. مبنی بر این فرضیه اول جامعه دست خوش اشغال و تجاوز اشغالگران قرار میگیرد بعد در عکس العمل افراد به مقاومت و دفاع از خود و نوامیس ملی می پردازند. از لحاظ حقوقی نیز هر جامعه ای تحت اشغال به سر ببرد افراد آن جامعه حق مسلم دفاع مشروع را دارند تا از جان، عقیده، ناموس، مال، اطفال، حریم و نوامیس ملی خویش دفاع کنند.

نقطه جالب و قابل توجه اینست اگر ملت افغان و جهان این واقعیت عینی را بپذیرند افغانستان در اشغال به سر می برد چنانچه در این اواخر اکثراً از مطبوعات و رسانه های خارجی از افغانستان اشغال شده یاد میکنند در آن صورت اصطلاح طالب یا طالبان ماهیت خویش را از دست میدهد. به معنی دیگر چنانچه گفته آمدیم زمانیکه کشوری مورد اشغال بیگانگان قرار میگیرد آنجا مقاومت زاده میشود. موضوع اشغال و مقاومت عین فارموله آب است در هر جای دنیا دست آورد دو مالیکول هایدروجن و یک مالیکول آکسیجن مرکب آب است. به همین شکل پدیده منحوس اشغال در امریکای لاتین، افریقا، ممالک آسیائی مانند عراق، ویتنام، فلسطین، افغانستان و در همه جهان مقاومت را به وجود می آورد. مقاومتیکه از متن توده ها برخاسته و در دفاع از جان، دین، ناموس، ملت، هویت، فرهنگ و استقلال کشور حاضرند تا دم مرگ علیه بیگانگان و اشغالگران مبارزه و مقاومت کنند. پس هموطن گرامی اگر معتقد و باورمندی افغانستان اشغال شده در آنصورت سنگر موجود علیه بیگانگان، سنگر مقاومت و حماسه مردمی است و مستقیم یا غیر مستقیم حمایت شما نیز در عقب آن می باشد.

^۱-عنوان موضوع صرف در حد تعبیر مطرح می باشد و الا والدین آفتاب زندگی انسان است. پروردگار همیشه والدین را داشته باشد و ما را توفیق خدمت صادقانه عنایت فرماید. آمین

امریکا و متحدین شان در افغانستان بالای مقاومت ملت افغان اطلاق طالب را نمودند. انگیزه اینکه چرا امریکا و متحدین شان به مقاومت مردمی اطلاق طالب را کردند از دید بنده دو چیز میتواند باشد.

اول – زمانیکه امریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۱ به افغانستان حمله نمودند آن زمان اکثریت خاک افغانستان در تصرف طالبان به سر می برد. بناءً امریکا آن زمان رقبای طالبان را حمایت نموده و از آنها منحصراً عساکر زمینی و پیش قدم تانکهای امریکائی استفاده کرده طالبان را شکست بی سابقه دادند که به قیمت هزار ها جان جوانان طالب انجامید. بناءً امریکا و متحدین شان مقاومت ملی را در افغانستان به خاطری به نام طالب یاد میکنند چون از روز اول در سنگر مخالف آنها را علیه خود یافتند.

دوم – اطلاق طالب بالای مقاومت ملت افغان از جانب امریکا و متحدین شان از روی تکتیک و اهداف ستراتیژیکی است. اصطلاح طالب از ماهیت افغانستان شمول برخوردار نیست تا زیر پلات فارم طالب همه مردم افغان به مقاومت علیه بیگانگان بپردازد. امریکا این موضوع را دقیق درک کرده بود و می دانست مردم افغان کلمه طالب را هضم نمیتواند بناءً با این تکتیک مکارانه و عوام فریبانه اش مقاومت را قیچ نمود. مطبوعات و رسانه های داخلی و خارجی نیز ذهنیت جنگ طالب و امریکا را نهایت پمپ نمود و به خورد انسان در سراسر جهان داد حتی امروز نیز حرف از طالبان و امریکا زده میشود نه مقاومت ملت افغان و اشغال امریکا.

کسانیکه به اسم طالب پیوند ذهنی داشته باشند شاید نوشته بنده تا اندازه موافق با مزاج ایشان نباشد اما دلسوزان و آینده اندیشان جامعه خوبتر درک میکنند تا بنده از چه مشکل حرف میزنم. ما نباید امروز بی تفاوت باشیم و نباید مردم ضعیف خود را با تن نحیف شان در زیر رگبار های اشغالگران تنها بگذاریم. امریکا و متحدین شان همه جهان را میخواهند علیه افغان مسلمان و آزادمنش بسیج کند امروز شراره های آتش از خانه ما بلند است، متضرر ما هستیم، اطفال افغان به ناحق به شهادت میرسند، خانواده ها به ماتم نشانده میشوند و ظلمت کده ما به سرنوشت بسا اسفبار گرفتار است حتی از دیده سنگ اشک را حالت زار افغان مظلوم جاری میکند. به همان شکل که امریکا میخواهد تمام جهان را علیه ملت مظلوم افغان بسیج کند ما نیز باید مکر بیگانگان را پرده برداریم هیچ ملتی در زیر سایه های اشغال و بیگانگان وحدت را تجربه نکرده اند بلکه همواره ملت ها در زیر سایه اشغال از درون انفجار داده شده است. امریکا کوشش نمود تا ملت افغان را پارچه پارچه نماید اما برخلاف بعد از هفت سال طوری احساس میشود که ملت هر روز صدای واحد تر پیدا میکند. ما باید حقیقت را به ملت خود باز گو کنیم مقاومت موجود متعلق به فرد فرد افغان می باشد و اشغالگران را به سرنوشت شکست محتوم و مقاومت را به پیروزی حتمی رساندن کار توی افغان مسلمان است.

دفاع از دین و مام وطن نه تنها محکومیت پنداشته نمیشود بلکه خلاقیت توی افغان مسلمان را نشان میدهد. بناءً ما باید دو کار را به پیش ببریم اول اینکه اصطلاح مقاومت ملت را دوباره جای گزین اصطلاح طالب نمایم برخلاف میل اشغالگران چون همه ملت افغان طالب شده نمیتواند اما همه ملت افغان مدافع دین، ناموس، فرهنگ و ارزشهای اخلاقی خود شده میتوانند و از این خلاقیت برخوردار هستند تا در دفاع از ارزشهای اجتماعی شان **سر** بدهند. به ملت خود هم باید ذهنیت آگاهانه و دقیق حضور شان مطرح نمود، ذهنیتی که تاب و توانمندی فروپاشی تبلیغات سوء و منفی بیگانگان را در درون ملت داشته باشد. همچنان ما باید به جهانیان نیز گوش زد نمائیم که مقاومت موجود برخاسته از متن ملت افغان می باشد حتی انسانی را که شما تحت اسم طالب از پا در می آورید قبل از آنکه آن فرد طالب باشد، انسان است، مسلمان و افغان است کی به شما این حق را داده تا هموطن مظلوم بی دفاع ما را محکوم به طالب یعنی محکوم به مرگ کنید؟ پس از آنجاکه توده های برخاسته توده های مردمی است بناءً از حمایت ملت

افغان برخوردار می باشد. طبیعی است غرب این زمان با اشک تمساح مانند ش هیچگاه حاضر نخواهد شد تا مقاومت ملت را رسماً بپذیرد اما این حق ما است به جهانیان باید بپذیرانیم چون چنانچه قبلاً تذکر دادم آتش در خانه ما بر افروخته شده است، متضرر اصلی ما هستیم و سرنوشت تاریک ما تاریکتر شده می رود. دوم قلم به دستان و زبان جامعه به تحکیم آن ارزشها بپردازند که اشغالگر و بیگانگان از آن هراسان اند و وجود آن ارزشها را تهدید برای خود می پندارد. به معنی دیگر باید به عمق فاجعه پی ببریم در پهلوی اشغال عملی تهاجم فرهنگی بحران هویت را به وجود می آورد انسان را نزد خودش هیچ و پوچ معرفی میکند. زمانیکه انسان در زیر سایه تهاجم فرهنگی متنفذ از هویت دینی، اجتماعی و فرهنگی خود میشود آن زمان ناگزیر است تابا ارزشهای خودی وداع بگوید و در آغوش بیگانه سقوط نماید. پس قلم به دستان باید منحصیث زبان جامعه جرئت داشته باشند، فراتر از ملیت و سمت در سطح منافع ملت و امت بیندیشند و گرزهای گوش کر کن را در دست گیرند و این ملت بخواب رفته را بیدار کنند. هیچ کاری نا ممکن نیست بلکه هر کار به همت بلند و زمان نیاز دارد.

با احترام

یادداشت:

ما را عقیده بر آن است که دفاع از خاک، مبارزه به خاطر حصول استقلال کشور وظیفه هر فرد افغان بدون در نظر داشت تعلق ایدئولوژیک وی می باشد. هیچ کسی حق ندارد یک افغان وطن پرست را که حاضر است به خاطر حصول استقلال و در آغوش کشیدن شاهد آزادی از سر و جان خویش صادقانه بگذرد با محدودیت تعلق فکری از مبارزه باز دارد. تجربه سی سال اخیر به وضاحت نشان داد که چنین طرز تفکری مردم را از فرزندان آگاه آن جدا ساخته، مبارزات آزادیخواهانه مردم ما را زیر عنوان جهان وطنی مذهبی به بیراهه انقیاد و تسلیم به دشمنان افغانستان کشانید. ما ضمن آنکه از همکار گرانقدر مان آقای "طارق" به خاطر موضعگیری قاطع شان علیه اشغالگران قدر دانی به عمل می آوریم، خدمت ایشان خاطر نشان می سازیم که در مقطع کنونی باید احاد ملت را به خاطر حصول استقلال کشور بسیج نموده و از پارچه شدن نیرو ها به شدت اجتناب ورزید.

با عرض حرمت

از طرف اداره پورتال AA-AA